



فرهنگ مردم افغانستان^۱



^۱. گروه ترجمه صراط : تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۵ تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۷/۲۲

چکیده:

این مقاله که برگرفته از دایره المعارف فرهنگ کشورهاست. با بررسی عناوین و موضوعات متداول به فرهنگ افغانستان پرداخته و مسائلی مانند روابط قومی و نژادی، ازدواج، خانواده، آداب معاشرت، اعتقادات دینی، مراسم و جشن‌ها، هنر، علوم اسلامی و... را بررسی کرده است.

واژگان کلیدی: افغانستان، فرهنگ، روابط قومی و هویت ملی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آشنایی مقدماتی

هویت: واژه "افغانی" از دیر باز برای نشان دادن اعضای یک گروه قومی و نژادی به کار رفته که پشتون نیز نامیده می‌شود. افغانستان یک کشور متنوع به لحاظ فرهنگی و نژادی می‌باشد که دولت این کشور با توسعه سیاسی قبیله‌های پشتون در اواسط قرن هجدهم تشکیل شد و تا اواخر قرن نوزدهم به اتحاد نرسید. مردم فارسی زبان (تاجیک‌ها، هزاره‌ها^۱ و ایماق‌ها^۲) و ترک زبان (ازبک‌ها و ترکمن‌ها) توسط دولت افغانستان به رسمیت شناخته شدند. از کودتای کمونیستی ۱۹۷۸ و جنگ داخلی پس از آن، این گروه‌ها بر آن شدند تا هویت سیاسی بیشتری را برای خود به وجود آورند، با این حال مسئله تشکیل دولت با جدیت همراه نبوده است. هر چند تجربه تبعید میلیون‌ها افغانستانی ممکن است باعث پیدایش یک حس ملی جدید شده باشد.

موقعیت و جغرافیا: افغانستان یک کشور آسیایی محصور به خشکی است. مساحت این کشور ۸۲۵/۲۵۱ مایل مربع (۶۵۲/۲۲۵ کیلومتر مربع) می‌باشد و با کشورهای پاکستان، ایران، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و چین هم مرز است. در نقشه جغرافیایی، افغانستان ترکیبی از مناطق کوهستانی در قسمت‌های مرکزی و دشت‌ها و تپه‌های اقماری می‌باشد. این کشور دارای آب و هوای خشک قاره ای است. تابستان‌های آن خشک و سوزان و زمستان‌های آن سرد بوده و در ارتفاعات بارش سنگین برف به چشم می‌خورد. میزان بارندگی در این کشور پائین است، اگرچه برخی مناطق شرقی آن تحت تأثیر بارش‌های موسمی قرار دارد. بخش اعظم این کشور پوشیده از استپ، مناطق بیابانی و زمین‌های کشاورزی است. صحرا نشینی، کشاورزی در مناطق کوهستانی و آبیاری از جمله اموری است که در این کشور انجام می‌شوند. در پایان قرن هجدهم، کابل به عنوان پایتخت افغانسان انتخاب شد. این شهر در یک حوضه وسیع بر روی جاده‌ای واقع شده است که پل ارتباطی میان هندوستان و آسیای مرکزی به شمار می‌آید.

۱ . Hazaras

۲ . Aymaqs

جمعیت‌شناسی: آمار سرشماری قابل اعتمادی در مورد میزان جمعیت افغانستان وجود ندارد اما در سال ۱۹۹۷ جمعیت این کشور تا ۲۳/۷۳۸/۰۰۰ نفر تخمین زده شد. اکثریت مردم (۸۰ درصد) روستایی هستند. حداکثر جمعیت کابل در دهه ۱۹۸۰ به بیش از یک میلیون نفر بالغ گردید، اما پس از سقوط رژیم کمونیستی در سال ۱۹۹۲ جمعیت کاهش یافت. جمعیت فعلی این کشور (سال ۱۳۸۷) حدود ۲۶ میلیون نفر اعلام شده است. مزار شریف، هرات و قندهار از شهرهای بزرگ این کشور به شمار می‌روند و جمعیت هر یک به دویست هزار نفر بالغ می‌گردد. شهرهای مهم افغانستان شامل جلال آباد^۱، کندوز^۲، باقلان^۳ و غزنین^۴ می‌باشد.

جمعیت پشتون‌ها از سال ۱۹۷۸ کاهش یافت و دلیل آن این بود که اکثر آنها به پاکستان مهاجرت کرده‌اند. برآورد می‌شود پشتون‌ها ۳۸ درصد از کل جمعیت افغانستان را تشکیل دهند، که اساساً در نواحی جنوب شرقی، جنوبی و غربی و عده قلیلی هم در قسمت شمالی سکونت دارند؛ پشتون‌ها به دو گروه درانی^۵ و گیلزای^۶ تقسیم شده‌اند و در بین قبائل متعدد ساکن مرز پاکستان زندگی می‌کنند. تاجیک‌ها (۲۵ درصد) در شمال شرقی، شمال غربی و مرکز شهر سکونت دارند. هزاره‌ها (۱۹ درصد) در مرکز، کابل و مزار شریف اقامت می‌کنند. ازبک‌ها (۶ درصد) نیز در شمال این کشور سکنی گزیده‌اند. دوازده درصد باقی مانده از جمعیت را ایماق‌ها (سنی‌های فارسی زبان ساکن شمال غربی)، ترکمن‌ها (در مرز ترکمنستان)، بلوچ‌ها (در جنوب غربی)، نورستانی‌ها^۷ و پشه‌ای‌ها^۸ در شمال شرقی کابل تشکیل می‌دهند.

- ۱ . Jalalabad
- ۲ . Kunduz
- ۳ . Baghlan
- ۴ . Ghazni
- ۵ . Durrani
- ۶ . Ghilzay
- ۷ . Nuristanis
- ۸ . Pashays

به استثنای عده کمی از هندوها، سیک‌ها^۱ و اقلیت‌های یهودی که این کشور را ترک کرده‌اند، همه ساکنین این کشور مسلمانانی هستند که به طور کلی به دو گروه سنی نزدیک به ۸۴ درصد) و شیعه (۱۵ درصد، که عمده آنها را هزاره‌ها تشکیل می‌دهند^۲) تقسیم می‌شوند. تعداد اندکی از مردم هم با مذهب اسماعیلی در قسمت شرقی هزاره جات^۳ و بدخشان^۴ ساکن هستند. از سال ۱۹۷۸، جمعیت زیادی از این کشور آواره شده‌اند که تعداد آنها در سال ۱۹۹۰ به بیش از شش میلیون نفر بالغ می‌گردید؛ این تعداد بیشترین جمعیت آوارگان را در دنیا تشکیل می‌دهند. اگرچه پس از فروپاشی رژیم کمونیستی در آوریل ۱۹۹۲، تعداد زیادی از آنان به میهن بازگشتند، اما میلیون‌ها آواره افغانی هنوز هم در کشورهای پاکستان، ایران و شبه جزیره عربستان ساکنند. برخی از مردم طبقه متوسط و روشن فکران نیز در غرب استقرار یافته‌اند.

وابستگی زبانی: بسیاری از اهالی این کشور به دو یا سه زبان تکلم کرده و همه زبان‌های اصلی افغان‌ها در کشورهای همسایه تکلم می‌شوند.

زبان‌های رسمی افغانستان را زبان فارسی (که رسماً دری نامیده می‌شود) و زبان پشتون تشکیل می‌دهند؛ هر دوی این زبان‌ها به گروه ایرانی وابسته به خانواده زبانی هندی - اروپایی تعلق دارند. زبان فارسی که توسط تاجیک‌ها، هزاره‌ها و ایماق‌ها صحبت می‌شود، تفاوت چندانی با فارسی متداول در ایران ندارد. زبان پشتون، که به دو گویش اصلی تقسیم می‌شود نیز در مناطق پرجمعیت پاکستان تکلم می‌شود. علی‌رغم تدابیر دولت برای توسعه زبان پشتون، زبان فارسی از جمله ابزارهای گفتاری است که بسیاری از تحصیل کرده‌ها و شهرنشینان این کشور آن را ترجیح می‌دهند. گروه ایرانی نیز به زبان بلوچی و برخی زبان‌های پراکنده صحبت می‌کنند. زبان‌های نورستانی بین گروه‌های ایرانی و هندی تکلم می‌شود، با این حال زبان پشه‌ای یک زبان هندی پیرو سنت قدیم به

۱ . Sikh

۲ . در حال حاضر ترکیب مذهبی تغییر یافته و تعداد شیعیان بیشتر از ۱۵ درصد هستند.

۳ . Hazarajat

۴ . Badakhshan

شمار می‌رود. زبان ترکی به طرز گسترده‌ای در شمال این کشور از سوی ازبک‌ها، ترکمن‌ها و قرقیزها مورد استفاده قرار می‌گیرد. زبان‌های مغولی و عربی نیز روبه فراموشی هستند.

نمادها: افغانستان هرگز یک فرهنگ ملی یکپارچه و قوی نداشته است و جنگ و تفرقه در این کشور را دامن زده است. دیگر از پرچم قدیمی با نوارهای افقی سبز، سفید و سیاه رنگ خبری نبوده و هیچ سرود ملی در این کشور سروده نمی‌شود.^۱ پول ملی این کشور (افغانی^۲) در دو ناحیه جداگانه منتشر شده و نرخ ارز متفاوتی را در مناطق مختلف این کشور دارا است.

تاریخ و هویت ملی

پیدایش ملت: سرزمین امروزی افغانستان مرکز حکوت چندین امپراتور بوده است، از جمله حکومت‌های پادشاهی یونانی - بودائی و حکومت کوشان‌ها^۳ (از قرن سوم پیش از میلاد تا قرن دوم پس از میلاد) و خاندان مسلمان غزنوی و غوری^۴ (از قرن ده تا دوازده). منطقه فوق پایگاه عملیاتی چندین حکمران هندی بوده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موغال‌ها^۵ اشاره کرد.

نسل جدید و مدرن افغانی‌ها با پیدایش قبائل پشتون در قرن هجدهم در واکنش به سرنگونی امپراتوری‌های ایران و هند پا به عرصه ظهور نهاد. در طول قرم نوزدهم، افغانستان جنگ با قدرت‌های استعماری را با موفقیت پشت سر گذاشته و نقش یک دولت میانی را بین کشورهای روسیه و هند بریتانیایی^۶ ایفا می‌کرد. سه دوره جنگ میان

۱. بعد از جریان‌ات اخیر سیاسی و اجتماعی افغانستان و با ریاست جمهوری حامد کرزای، این کشور دارای پرچم و سرود ملی شده است.

- ۲ . Afghani
- ۳ . Kushans
- ۴ . Ghurid
- ۵ . Mughals
- ۶ . British India

افغانستان و انگلستان (۱۹۱۹، ۱۸۸۰-۱۸۷۸، ۱۸۴۲-۱۸۳۹) می‌توانست حس ملی‌گرایی را در افغانستان به وجود آورد، اما تاریخ این کشور سراسر نزاع و درگیری‌های داخلی بوده است. درگیری میان دو شاخه پشتون‌های درانی و محمدزای^۱ مهم‌ترین شاخصه نیمه نخست قرن نوزدهم به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد گروه محمدزای تا سال ۱۹۷۸ در افغانستان حکومت می‌کردند. عبدالرحمان^۲ موفق شد با سرکوب مقاومت هم‌قبیله‌های خود و شکست پشتون‌های گیلزای، هزاره‌ها و کافر^۳ (نورستانی‌ها)، سلطه خود را در سراسر این کشور بسط دهد. اگرچه نوعی وحدت سیاسی در طول حکومت وی به وجود آمد، اما تاکتیک‌ها و سیاست‌های خشن او باعث کینه توزی میان اهل تسنن و شیعیان، پشتون‌ها و دیگر گروه‌های قومی و نژادی، پشتون‌ها با یکدیگر، و نیز روستائیان و شهرنشینان شده بود. شاه امان...^۴ (امان/... خان، ۱۹۲۹-۱۹۱۹) کوشش کرد اصلاحات متعددی را به وجود آورد که همگی به ناکامی گرائید. تلاش برای برپائی یک حکومت پارلمانی نیز پس از سال ۱۹۶۳ به آشفتگی‌های اجتماعی حاد از جمله، افتادن قدرت به دست کمونیست‌ها در سال ۱۹۷۸ منجر شد که بسیاری از آنها را جوانانی تشکیل می‌دادند که به تازگی شهرنشین شده و با ترک زندگی قبیله‌ای در پی توسعه وضعیت اجتماعی خود بودند. در طول چند ماه، شورش سراسر کشور را فراگرفت تا این که در سال ۱۹۷۹ مداخله نظامی اتحاد جماهیر شوروی در این کشور آغاز گردید. ده سال پس از آن یک جنگ چریکی سخت میان ارتش سرخ و نیروهای مقاومت افغان (مجاهدین^۵) از سر گرفت. در طول این سال‌ها نزدیک به یک و نیم میلیون افغانی کشته و میلیون‌ها تن کشورشان را ترک گفتند. عقب نشینی شوروی در سال ۱۹۸۹ و سقوط رژیم کمونیستی در ۱۹۹۲ به بروز تنش‌ها و ناآرامی‌هایی منجر شد. در مقابله با این وضعیت، طالبان (طلاب دینی مستقر

-
- ۱ . Mohammadzay
 - ۲ . Abdur Rahman
 - ۳ . Kafirs
 - ۴ . Amanullah
 - ۵ . Mujâhedin

در اردوگاه‌های آوارگان در پاکستان) جنوب این کشور را بین سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۴ تصرف کرده و بار دیگر امنیت را برقرار ساختند و بخش اعظم کشور را فتح کردند اما قادر نبودند گروه‌های دیگر را با یکدیگر متحد نموده و یا مشروعیت بین‌المللی پیدا کنند^۱.

هویت ملی: دین مشترک و خودمختاری نسبی جوامع محلی مانع از تفرقه و فروپاشی افغانستان در سال ۱۹۷۸ گردید، دولت اولویت بیشتری به فرهنگ و آداب و رسوم کهن پشتون‌ها نشان می‌داد. اما بسیاری از ساکنین، خود را ابتدا متعلق به جامعه محلی و بعد جامعه اسلامی فراملی می‌دانستند. هویت ملی مردم در سطح پائین تری قرار داشت، اما دولت هم‌چنان پابرجا بود. این تعادل سست پایه در پی کودتای سال ۱۹۷۸ از بین رفت. نمادهایی که مشروعیت دولت افغانستان بر پایه آن استوار شده بود، استقلال سیاسی و پیوستگی تاریخی نیز به باد فراموشی سپرده شد.

روابط قومی و نژادی: قبل از سال ۱۹۷۸، روابط قومی حالت رقابتی شدیدی پیدا نمود. دولت طرف‌دار شوروی تلاش کرد تا حقوق، فرهنگ و زبان‌های گروه‌های غیر پشتون را توسعه دهد؛ هر چند این تلاش نافرجام بود، اما به تحلیل برتری سیاسی پشتون‌ها منجر شد. در دهه ۱۹۹۰، مطالبات سیاسی به تدریج جنبه اسلامی خود را از دست داده و رنگ قومی و نژادی به خود گرفتند. مقاومت مردم مسلمان افغانستان در برابر نیروهای شوروی نتوانست زمینه مشترکی را جهت برقراری صلح و اتحاد مردم به وجود آورد. از سال ۱۹۹۲، مشخصه جنگ‌های داخلی در این کشور، مطالبات و ادعاهای قومی بوده که باعث گردید میان پشتون‌ها (که نهضت طالبان ثمره آنها بودند) و دیگر گروه‌های قومی (که توده مخالف ائتلاف شمال را تشکیل می‌دادند) تضاد به وجود آید.

شهرسازی، معماری و استفاده از فضای شهری

شهرهای تاریخی متعددی در افغانستان وجود دارد، مانند بلخ، غزنین و هرات؛ اما

۱. گروه طالبان توسط کشورهای پاکستان، امارات، عربستان سعودی و آمریکا تشکیل شد و یکی از اهداف تشکیل این گروه مهار ایران و ضربه زدن به ایران بود که با حوادث ۱۱ سپتامبر که به وقوع پیوست خود آنها سعی در مقابله با آنها برآمدند و در نهایت طالبان را ساقط نمودند.

بیست سال پس از جنگ، هنوز حفظ آثار تاریخی در اولویت نیست. موزه شهر کابل بارها غارت شده است و دیگر اثری از بازار سرپوشیده تاشقرغان^۱ در شمال افغانستان نیست و مجسمه‌های بودا در بامیان^۲ همگی تخریب شده‌اند. اکثر شهرها و شهرک‌ها ویران شده و بازسازی اندکی نیز در حال شکل‌گیری است.

نوع خانه‌های ساخته شده در جنوب و مرکز این کشور اغلب به شکل خانه‌های چند طبقه روستایی بوده و دارای دیوارهای بلند از جنس کاه و گل می‌باشند؛ این خانه‌ها در مزارع به شکل پراکنده ساخته شده و بعضی اوقات به دهکده‌های بسیار کوچک شباهت دارند. در شمال و غرب، مجموعه‌های کوچکی از خانه‌های گنبدی شکل به چشم می‌خورد که اغلب از آجرهای خشتی ساخته شده‌اند. در ارتفاعات شرقی، خانه‌ها به صورت مجتمع ساخته شده‌اند. سنگ و الوار، مصالح ساختمانی مشترک بین مردم به شمار می‌روند. بازارها چه در روستاها و چه در شهرها محل اقامت به شمار نمی‌روند.

معماری داخلی خانه‌ها بر جدایی بین قسمت‌های عمومی و خصوصی استوار بوده، به طوری که تماس زن‌ها با غیر محارم قطع شود. اثاثیه منزل معمولاً از وسایل ابتدایی ساخته شده‌اند. بسیاری از خانواده‌ها در یک اتاق و بر روی تشک می‌خوابند. این تشک‌ها را می‌توان شب‌ها جمع کرد و هیچ کس جای مخصوصی برای خود ندارد. آنها هر روز صبح خانه را مرتب کرده و تشک‌ها و لحاف‌ها را بر روی هم می‌چینند. خانواده‌های ثروت مند ممکن است اتاق‌های نشیمن جداگانه‌ای برای میهمانان خود داشته باشند. اما به طور کلی، افغانی‌ها دوست ندارند مهمان را تنها بگذارند و معمولاً اتاق‌های جداگانه‌ای را برای میهمانان خود در نظر نمی‌گیرند.

بخشی از مردم افغانستان را کوچ نشینان و نیمه کوچ نشینان تشکیل می‌دهند. آنها از دو نوع چادر استفاده می‌کنند: یکی از جنس پشم بز سیاه خاورمیانه و دیگری از جنس خیمه‌های مورد استفاده در آسیای میانه. پناهگاه‌های موقت شامل کلبه‌های حصیری و پوشالی و غارها می‌باشد.

۱ . Tashqurghan

۲ . Bamyan

خوراک و اقتصاد

خوراک روزانه: غذای روزمره مردم افغانستان را نان‌های لواشی تشکیل می‌دهد که در ظروف فلزی و بر روی آتش یا بر روی دیواره تنورهای گلی پخته می‌شوند. افغانی‌ها اغلب نان را در خوراک آب گوشت خیس کرده و می‌خورند. ماست و دیگر فرآورده‌های لبنی (کره، خامه و سرشیر) و نیز پیاز، نخود، لوبیا، حبوبات و آجیل از جمله غذاهای اصلی مردم به شمار می‌روند. در برخی مناطق و محیط‌های شهری برنج مصرف می‌شود. املت که با استفاده از گوجه و پیاز درست می‌شود نیز یک خوراک متداول محسوب می‌شود. مردم غذای خود را با استفاده از انواع مختلف روغن مانند روغن گرفته شده از دنبه گوسفند و روغن‌های حیوانی و گیاهی تهیه می‌کنند. چای هر روز نوشیده می‌شود. از شکر در اولین چای روزانه و از آب نبات برای نوشیدن دیگر وعده‌های چای استفاده می‌گردد. دوغ از دیگر نوشیدنی‌ها به شمار می‌رود. افغانستانی‌ها ظرف غذا را بر روی زمین گذاشته و با دست راست از آن می‌خورند. وقتی در خانه میهمان نباشد، مردان و زنان غذایشان را با هم میل می‌کنند. در طول راه و در داخل بازار رستوران‌های کوچک بسیاری وجود دارد که از آنها به عنوان چای خانه و مسافرخانه استفاده می‌شود. مردم افغانستان از خوردن غذاهائی که اسلام منع کرده خودداری می‌کنند. برای مثال، تنها گوشت حیوانی مصرف می‌شود که طبق دستور اسلام ذبح شده باشد؛ مشروب، گوشت خوک و گراز مصرف غذایی ندارند. شیعیان افغانستانی از خوردن خرگوش‌های اهلی و صحرایی نیز پرهیز می‌نمایند.

رسوم غذایی در مناسبات رسمی: در مناسبات خاص، خوردن پلو همراه با گوشت، هویج، کشمش، پسته یا نخود فرنگی مرسوم است. گوشت گوسفند، گوشت مورد علاقه آنها بوده اما گوشت مرغ، گاو و شتر نیز مصرف می‌شود. کباب، کرب‌های سرخ کرده با تره فرنگی، راویولی (نوعی غذای ایتالیایی از گوشت و نشاسته) و سوپ رشته فرنگی نیز از جمله غذاهای مرسوم به شمار می‌روند. سبزیجات مورد استفاده مردم عبارت‌اند از: اسفناج، کدو، سلغم، بادنجان، نخود و لوبیا، خیار و گوجه فرنگی. از میوه‌های تازه در طول روز به عنوان پیش غذا استفاده می‌شود. در مراسم شام رسمی، زن‌ها و مردها از هم جدا

غذا می‌خورند. غذا با نوشیدن چای و خوردن پسته یا بادام شروع می‌شود. آنها شام را در داخل ظرف‌های پارچه پوش قرار داده و بر روی زمین میل می‌کنند. غذا خوردن زیاد نشان دهنده لذت بردن از غذا است.

اقتصاد پایه: اقتصاد سنتی مردم افغانستان ترکیبی از کشاورزی و دام پروری است. هر چند نوع کشاورزی از طریق آبیاری در بیشتر نقاط این کشور رایج است، اما محصولات حاصل از کشاورزی با استفاده از آب باران از کیفیت بهتری برخوردار است. گندم محصول اصلی کشاورزان به شمار رفته و پس از آن برنج، جو و ذرت قرار دارند. بادام و میوه جات از جمله محصولات فراوان به شمار می‌روند. پیش از شروع جنگ‌های داخلی، پنبه مهم‌ترین محصول صادراتی در این کشور به شمار می‌رفت. اکنون، بخش‌های وسیعی از زمین‌های کشاورزی در افغانستان برای کشت خشکاش و تجارت هروئین مورد استفاده قرار می‌گیرد. دام پروری شغل اهالی روستا و کوچ نشینان می‌باشد. کوچ نشینان تابستان را در ارتفاعات و زمستان را در دشت‌ها سپری می‌کنند. بسیاری از مردم، به ویژه ساکنین شرق کشور، به کار تجارت می‌پردازند.

تقریباً کلیه اجناس تولیدی از خارج وارد این کشور می‌شود. سرمایه این کار از سوی پناهندگان و مهاجرین تأمین می‌گردد.



در جنوب و مرکز افغانستان، خانه‌ها بیشتر به شکل مزارع از جنس کاه و گل ساخته می‌شوند.

اجاره داری زمین و ملک: بیشتر چراگاه‌ها بطور مشترک مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما زمین‌های کشاورزی مالکیت خصوصی دارند. کانال‌های مخصوص آبیاری زمین‌ها به طور مشترک توسط کشاورزان طبق یک برنامه زمانی از پیش تعیین شده مورد استفاده قرار می‌گیرند.

اکثریت مردم را زمین دارانی تشکیل می‌دهند که برای کمک معاش خود یکی از اعضای خانواده را جهت کار به شهر یا خارج از کشور می‌فرستند. کشاورزان فقیری که فاقد زمین کشاورزی هستند، زمین اجاره کرده یا به صورت روزمزد برای زمین داران کار می‌کنند؛ به دلیل بدهکاری، اغلب این عده از لحاظ اقتصادی یا سیاسی به رؤسای محلی و زمین داران وابسته هستند.

فعالیت‌های بازرگانی

تجارت: پوست، پشم، حبوبات و میوه‌های تازه و پسته صادرات این کشور را تشکیل می‌دهند، اما مواد مخدر سهم بسیار عمده ای از صادرات را به خود اختصاص داده است. افغانستان اجناس معاف از مالیات را از پاکستان وارد می‌کند، از جمله خودرو، سیستم‌های تهویه، یخچال، تلویزیون، رادیو و استریو؛ این محصولات مصرفی در نهایت به کشورهای همسایه قاچاق می‌گردد.

صنایع عمده: پس از گذشت بیش از بیست سال جنگ و درگیری، هنوز هیچ نوع فعالیت صنعتی در این کشور به چشم نمی‌خورد.

توزیع کار: بیشتر کارگران افغانستانی حاضر در ایران، پاکستان و کشورهای خلیج فارس را مردان جوان و مجرد تشکیل می‌دهند. مردم در افغانستان تا آن جا که قادر باشند به کار کردن ادامه می‌دهند.

طبقه بندی اجتماعی

طبقات اجتماعی و گروه‌ها: برخی گروه‌ها طرف دار برابری انسان‌ها می‌باشند، اما

برخی دیگر به ساختارهای اجتماعی مبتنی بر سلسه مراتب معتقد هستند. مردم به لحاظ وضعیت اجتماعی و ثروت تفاوت‌های زیادی با هم دارند. طبقه بندی اجتماعی هم چنین به خطوط مذهبی و قومی بستگی دارد. اعضای خانواده‌های سلطنتی در طول سال‌های متمادی قرن بیستم نقش عمده ای به عنوان وزیر و سفیر در امور سیاسی ایفا کرده اند. اکثر کارمندان و تکنوکرات‌ها شهرنشینانی بودند که به زبان فارسی تکلم می‌کردند.

اسماعیلیان و شیعیان (به ویژه اهالی هزاره) از پائین‌ترین وضعیت اجتماعی برخوردار بودند. بیشتر پست‌های اداری در ولایات (استان‌ها) در اختیار پشتونهایی بوده که هیچ ارتباطی را با مردم برقرار نمی‌کردند. زمین داران ثروت مند و کدخداها کنترل جوامع محلی را در اختیار داشتند. سیدها، که خود را از نسل فاطمه علیها السلام دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌دانند، نقش مهمی را به عنوان میانجی ایفا نموده و به جای اتکا به ثروت‌های شخصی از وجهه خود بهره می‌بردند^۱. از بزرگ ترهای خانواده در مورد مشکلات محلی، مشاوره‌های زیادی صورت می‌گرفت و بسیاری از مشاجره‌ها از طریق گردهم آئی‌های محلی رفع می‌شوند.

سمبل‌های طبقه بندی اجتماعی: الگوی ازدواج مهم‌ترین نماد تشکیل طبقات اجتماعی به شمار می‌رود. گرایش عمومی بر این است که مردم طبقات پایین‌تر دختران خود را به ازدواج طبقات بالاتر در بیاورند. اسراف و ول‌خرجی به هنگام مراسم ازدواج مشخصه وضعیت اجتماعی و ثروت می‌باشد.

جنسیت و پایگاه اجتماعی

توزیع کار بر پایه جنسیت: نقش زنان و مردان در جامعه به طرز شدیدی متفاوت است. اماکن عمومی قلمرو مردان و داخل خانه نیز از آن زنان است. زنان از کودکان نگهداری می‌کنند، برای اهل خانه آشپزی کرده و خانه را تمیز می‌کنند؛ آنها

۱. شاید مراد، استفاده کردن از خمس باشد که این امر اولاً عمومیت ندارد و در ثانی این که منبع درآمد فراوانی را شامل نمی‌شود.

ممکن است یک باغچه و چند مرغ و خروس داشته باشند. زنان به اموری از قبیل بافندگی و خیاطی مشغول بوده و در برخی مناطق به قالی بافی و نمد بافی اشتغال دارند. زنان کوچ نشین به ساخت چادر مشغول بوده و آزادی عملی بیشتری دارند. در یک خانواده روستایی، مردان گوسفندها و بزها را به چراگاه می‌برند، شخم می‌زنند، درو و خرمن کوبی می‌کنند و محصولات چیده شده را غربال می‌نمایند. مردان در خانواده‌های شهری و روستائی حق ندارند تمام طول روز را در خانه بمانند. در زمان جنگ زنان بسیاری از وظایف مردان را بر عهده می‌گیرند. مردانی که در خارج از کشور کار می‌کنند باید توانایی آشپزی، خیاطی و رخت شویی را داشته باشند.

وضعیت نسبی زنان و مردان: بین سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۹، شاه امان ... تلاش کرد تا قدرت اجتماعی زنان را توسعه دهد. در زمان حاکمیت کمونیست‌ها، بسیاری از زنان قادر بودند در دانشگاه تحصیل کنند؛ این روند در زمان حکومت طالبان نقض شد. اکنون زنان مجبورند تا بدن خود را با چادر بپوشانند. اگر زنی به دنبال شغل و تحصیل یا دسترسی به امکانات بهداشتی اولیه باشد، با موانع سختی رو به رو خواهد شد. زنان هرگز در فرآیند تصمیم‌گیری در جمع مشارکت نداشته‌اند. از آنها خواسته می‌شود نجابت خود را حفظ و از دستورات پدر، برادر و همسر اطاعت کنند؛ با این همه، زنان که نقش حفظ حیثیت خانواده را بر عهده دارند، از قدرت بیشتری نیز برخوردار می‌باشند. زنان کوچ نشین و روستایی نقش مهمی را در اقتصاد خانواده ایفا کرده ولی هم‌چون بسیاری از زنان شهری حق زندگی مجردی ندارند. رهبران شیعه بر حق زنان جهت شرکت در فرآیندهای سیاسی، فعالیت‌های اقتصادی و انتخاب آزاد همسر اصرار می‌ورزند.

ازدواج، خانواده و خویشاوندی

ازدواج: ازدواج امری واجب و طلاق امری نادر و مایه ننگ خانواده به شمار می‌رود. تعدد زوجات مجاز بوده به شرط آن که مساوات بین همسران رعایت شود. با این حال، چند همسری متداول نبوده و در اصل زمانی رخ می‌دهد که مردی احساس کند باید با بیوه

برادر فوت شده خود ازدواج کند. الگوی عمومی، ازدواج با خویشاوندان می‌باشد، هرچند خانواده‌ها تلاش می‌کنند تا از طریق ازدواج دارایی‌های اجتماعی خود را نیز متحول کنند. ازدواج بین عموزاده‌ها بسیار مرسوم است. اولین درخواست‌های محرمانه ازدواج اغلب از سوی زنان آغاز می‌گردد تا در صورت منفی بودن پاسخ، موضوع به طور عمومی فاش نشود. سپس، خانواده عروس و داماد در مورد جنبه‌های مالی ازدواج با یکدیگر مذاکره کرده و به دنبال آن در مورد تهیه لباس عروس، مهریه و جهیزیه تصمیم می‌گیرند. گام بعدی انجام تعهدات رسمی است که در طی آن زنان فامیل داماد هدایایی را به خانه عروس آورده و شیرینی میل می‌کنند. ازدواج یک مراسم جشن سه روزه است که هزینه آن بر عهده خانواده داماد می‌باشد و در طی آن قرارداد ازدواج به امضا رسیده و زوج عروس و داماد تشکیل می‌شود؛ در نهایت عروس طی یک مراسم پر طمطراق به خانه جدید خود آورده می‌شود.

نهاد خانواده: اعضای یک خانواده سنتی شامل یک مرد، همسر وی، پسران و همسرانشان و دختران و پسران مجرد می‌باشد. وقتی مرد خانواده فوت می‌کند، پسران وی می‌توانند در مورد ماندن در خانه یا تقسیم دارایی‌های خانواده تصمیم‌گیری کنند. سرپرستی خانواده از سوی برادران پیش از آن که به سن و سال مربوط باشد، به میزان توانایی، مهارت اقتصادی، و وجهه شخصی آنها بستگی دارد. گاهی اتفاق می‌افتد که یکی از برادران سهم الارث خود را مطالبه کرده و در حالی که پدر خانواده در قید حیات است، تصمیم به ترک آن جا بگیرد. هزینه‌های محل سکونت الزاماً مشترک نیست. واحدهای خانوادگی در بین افراد قبیله، پرجمعیت تر از شهرنشینان می‌باشند.

وراثت: همه برادران به طور نظری سهمی برابر دارند، اما برای جلوگیری از فروپاشی مایملک خانواده، برادران می‌توانند نسبت به استفاده از آن یا پرداخت هزینه‌های مالی به طور مشترک تصمیم بگیرند. بر خلاف شریعت اسلام، زنان سهمی از زمین، اموال غیر منقول و چارپایان ندارند.

گروه‌های خویشاوندی: نسب همه گروه‌ها از مردان تشکیل می‌شود. هر قبیله دارای یک جد پدری بوده و به سه گروه فرعی طایفه، دودمان و خانواده تقسیم می‌شود.

میزان ارث، تعهدات متقابل و حس هم بستگی در شجره‌نامه تعیین می‌شود. نزاع بر سر زنان، زمین و پول ممکن است به خون ریزی منجر شود. نظام قبیله‌ای به ویژه در میان پشتونها رواج داشته است. میهمان نوازی و انتقام، ارزش‌های اصلی در قوانین قبیله‌ای به شمار می‌روند. بسیاری از افغان‌ها به یک قبیله تعلق نداشته و تنها یک نسب عادی دارند. احترام به همسایه‌ها و دیگر روابط اجتماعی، که اغلب به واسطه ازدواج تقویت می‌شوند، ممکن است مستحکم‌تر از روابط فامیلی طولانی مدت باشند.

اجتماعی سازی

مراقبت از کودکان: کودکان داخل گهواره‌های چوبی نگهداری می‌شوند که مجهز به مجرای برای دفع ادرار بوده و یا در داخل پارچه توسط مادر بدوش کشیده می‌شوند. به نوزادان تا دو سال یا بیشتر شیر مادر داده می‌شود و از شیر گرفتن آنها پس از این مدت رایج است. عده‌ی زیادی از زنان فامیل نگهداری کودکان را بر عهده می‌گیرند. اگرچه با کودکان رفتار محبت‌آمیزی می‌شود، اما کودکان به سرعت در می‌یابند که در زمان گریه یا آسیب دیدگی کسی جز پدر و مادر حق مداخله نخواهد داشت. بزرگ‌ترها در بازی کودکان دخالت نمی‌کنند، زیرا این امر عواقب سختی در پی خواهد داشت. تنبیه بدنی کودکان رایج بوده، هرچند والدین بیشتر تمایل دارند با فرزندان خود با مهربانی برخورد کنند. کودکان از آغوش مادران در خانه جدا شده و وارد اجتماع می‌شوند و بدین ترتیب زندگی اجتماعی را فرا می‌گیرند.

تربیت و آموزش کودکان: احترام و اطاعت از بزرگ‌ترها ارزش‌های مهمی به شمار می‌روند، اما استقلال و ابتکار فردی و اعتماد به نفس نیز ارج داده می‌شوند. مهم‌ترین آئین مربوط به پسر بچه‌ها، عمل ختنه کردن است که معمولاً در سن هفت سالگی انجام می‌شود. پسرها خیلی زود وظایفی چون میهمان‌نوازی و احترام به میهمانان را علاوه بر گله‌داری و خرید مایحتاج خانه یاد می‌گیرند، حال آن که دخترها به محض سر پا ایستادن، کمک به مادر خود را آغاز می‌کنند. هم پسرها و هم دخترها ارزش‌هایی مانند آبرو و

حیا را فرا گرفته و باید بدانند چه زمان مباحات کرده و چه زمان تواضع به خرج دهند.

آموزش عالی: سواد در سطح بسیار پائینی قرار دارد و در سال ۱۹۸۰، ۸۸ درصد از افراد بالغ فاقد تحصیلات رسمی بوده اند. تنها ۵ درصد از کودکان موفق به تحصیل در مدارس ابتدایی می‌شوند.^۱ تفاوت بین پسران و دختران فوق‌العاده زیاد است. افغان‌ها برای بالا بردن سطح سواد خود ناگزیر به مسافرت به کشورهای دیگر هستند. اگر چه تحصیل با ارزش است، اما هیچ آینده شغلی برای افراد تحصیل کرده در این کشور پیش بینی نمی‌شود، مگر استخدام در یک آژانس بین‌المللی یا یک سازمان غیردولتی.

آداب معاشرت

جوانان بزرگ ترهای خود را نه به اسم کوچک بلکه با لقب صدا می‌کنند. یک شوهر همسر خود را با اسم صدا نکرده بلکه به او "مادر بچه" می‌گوید. استفاده از نام خانوادگی عمومیت ندارد، اما اسم مستعار بسیار متداول است. از نام خانوادگی برای احترام و بیان دوستی استفاده می‌شود. مهمان‌نوازی یک ارزش فرهنگی قومی و نژادی به شمار می‌رود. پس از کشیدن غذا، میزبان منتظر می‌ماند تا میهمانان خوردن غذا را آغاز کنند. به محض خالی شدن بشقاب‌ها، میهمانان برای رفتن اجازه می‌گیرند، مگر این که بخواهند شب را در همان جا بمانند.

وقتی دو مرد به یکدیگر می‌رسند دست می‌دهند، سپس دست راست خود را بر روی سینه می‌گذارند. تماس مستقیم فیزیکی بین مردان و زنان ممنوع است. در صورتی که دوستان و آشنایان یکدیگر را برای مدت طولانی ندیده باشند، با هم دیده بوسی کرده و با جملات مؤدبانه با یکدیگر صحبت می‌کنند. وقتی کسی وارد اتاق می‌شود، همه به او سلام کرده و به هنگام نشستن نیز احوال پرسشی بیشتری رد و بدل می‌شود. پرسیدن سوالات بی‌پرده یا سؤال در مورد یک موضوع خاص در شروع صحبت نوعی بی‌احترامی

۱. در جامعه امروزی، درصد باسوادها افزایش یافته است و تعداد دانشگاه‌های خصوصی و عمومی نیز فزونی یافته است.

به شمار می‌رود. آنها برای این که نسبت به هم ابراز محبت کرده باشند، گاهی به شدت به خاطر بی‌خبری از یکدیگر اظهار گله‌مندی می‌نمایند.

دین

اعتقادات دینی: اهل تسنن و شیعیان علی‌رغم مناسبت‌های متفاوتی که میان آنها وجود دارد، حاکمیت قرآن را به رسمیت شناخته و ستون دین را ارج می‌نهند؛ با این همه، اغلب روابط میان طرف داران مذاهب مختلف سرد و خشن است. تصوف تجلی مهمی از دین‌داری به شمار می‌رود. گرایش عرفانی اسلام در تصوف نمود کرده و اساس آن را هیجان‌ات و تعهدات فردی نسبت به مفاهیم رمزی دین تشکیل می‌دهد.^۱ نوع افراطی تصوف توسط گدایان دوره‌گرد (درویش‌ها) نشان داده می‌شود. برخی علمای اسلام با دیده تردید به آن‌ها نگاه می‌کنند. طرف داران این مکتب فکری به موجودات فراطبیعی هم چون فرشتگان، اجنه، ارواح و اشباح اعتقاد دارند. به نظر آنها، جن‌گیری و جادو باعث محافظت انسان‌ها از چشم زخم می‌شود؛ اگرچه این قبیل اقدامات از سوی مراجع دینی محکوم شده‌اند، اما ممکن است بازهم از سوی روحانیون ساکن روستاها تأیید شوند.

عوامل مذهبی: دو گروه عامل مذهبی وجود دارد: علما، که قدرت آنها بر پایه علم و دانش استوار است و اولیا، که اختیاراتشان به جهت توانایی آنها در انتقال دعای خیر الهی می‌باشد. سنی‌ها فاقد یک هیئت روحانیون به شکل رسمی بوده در حالی که شیعیان قائل به سلسله مراتب دینی هستند. روحانیون ساکن روستاها آموزش‌های دینی را فرا می‌گیرند؛ آموزش‌هایی که به آنها اجازه می‌دهد تا به کودکان درس داده و نمازهای جمعه را رهبری کنند. بسیاری از اولیای دینی و رهبران اهل تصوف خود را خلف پیامبر اسلام ﷺ می‌دانند و پیروان آنها برای کسب دعای خیر و راهنمایی به دیدار آنها می‌آیند. در طول جنگ، یک رهبری دینی جدید پا به عرصه نهاد؛ مبارز جوان و مسلمانی که اختیارات صاحب منصبان سنتی را در حوزه دین به چالش کشیده و مفهومی از دین را پیشنهاد کرده که جنبه

۱. تصوف، گرایش منحرفانه عرفان ناب اسلامی می‌باشد که اغلب بر ترک دنیا و لذت‌های مشروع آن اصرار دارد.

سیاسی تری داشته باشد.

آنین‌ها و اماکن مقدس: در طول سال، مردم ظهرهای روز جمعه در مسجد گردهم می‌آیند. در بیشتر روستاها محلی برای نماز خواندن وجود دارد که علاوه بر عبادت، از آن برای پذیرایی از مسافری استفاده می‌شود. مدفن رهبران دینی مشهور اغلب به زیارت گاهی بدل می‌شود که مردم محلی را برای زیارت به آن جا می‌آورد. زیارت به زنان اجازه می‌دهد تا به صورت گروهی از خانه خارج شده تا با یکدیگر گفت و گو کرده و روابط اجتماعی خود را ارتقاء دهند.

اعیاد مذهبی به دو نوع اصلی تقسیم می‌شوند: **عید کبیر** یا **عید قربان** که در آن طبق سنت ابراهیمی، در آخرین روز حج، قربانی داده می‌شود.



یکی از مسلمانان در حال نماز در یک کوهستان پوشیده از برف در مرز پاکستان، چین و افغانستان دیده می‌شود. هم سنیان و هم شیعیان حاکمیت قرآن را به رسمیت شناخته و ستون‌های دین را ارج می‌نهند.

بسیاری از خانواده‌ها گوسفند ذبح و گوشت آن را بین فقرا توزیع می‌کنند. **عید فطر** یا **عید رمضان** که نشان‌دهنده پایان ماه رمضان است؛ روز سراسر شادی که در طی آن اقوام و دوستان به دیدار یکدیگر می‌آیند. ماه رمضان که ماه روزه داری نامیده می‌شود، یک رویداد دینی و اجتماعی مهم به شمار می‌آید. در طول ماه محرم (اولین ماه در تقویم قمری مسلمانان)، شیعیان شهادت نوه حضرت محمد صلی الله علیه و آله را یادآوری می‌کنند. محرم ماه عزاداری و ماتم است. مردم در حالی که گریسته و سینه زنی می‌کنند گردهم آمده تا به ذکر مصیبت

شهادت گوش فرا دهند. محرم سال گرد شهادت [امام] حسین علیه السلام می‌باشد. آنها در صفوف منظم براه می‌افتند و برخی جوانان با زنجیر یا چاقوهای تیز به خود زخم می‌زنند. دیگر مراسم اجتماعی دینی مهم از بعد دینی، ولادت، ازدواج، مراسم خاک سپاری، ختنه پسران خردسال و توزیع غذای نذری از سوی ثروت مندان می‌باشد.

مرگ و زندگی پس از آن: وقتی کسی از دنیا می‌رود، او را فوراً غسل داده و در داخل کفن می‌پوشانند. بسیاری از قبرها را در حومه‌های شهر، انبوهی از سنگ‌های ساده تشکیل داده بی‌آن که نام متوفی بر روی آنها ذکر شود. افراد غنی ممکن است از یک سنگ قبر با یک دعای نوشته شده بر روی آن استفاده کنند. خویشاوندان نزدیک متوفی تا سه روز درب خانه‌های خود را برای عرض تسلیت مردم باز نگاه می‌دارند. پس از گذشت چهل روز، اقوام و دوستان نزدیک بار دیگر با هم ملاقات کرده تا بر سر مزار متوفی رفته و برای او دعا و نماز بخوانند. پس از یک سال، مراسمی برگزار می‌شود که نشان دهنده تجدید خاطره سوگ واری خواهد بود. بسیاری معتقدند اگر مراسم سوگ واری به درستی انجام نشود، ارواح مردگان بازگشته تا زنده گان را اذیت کنند.

پزشکی و مراقبت درمانی

از آن جا که تعداد مراکز درمانی محدود است، مردم به شیوه‌های درمانی سنتی روی می‌آورند که در آن از گیاهان دارویی و فرآورده‌های حیوانی استفاده می‌شود. تمامی بیماری‌های جسمی به دو گروه سرد و گرم تقسیم می‌شوند، و درمان آنها به هضم غذاهایی با خواص متضاد و برگشتن بدن بیمار به تعادل اولیه بستگی دارد. زیارت اماکن متبرکه یکی دیگر از راه‌های درمان بیماری‌ها به شمار می‌رود. گاهی اوقات، زوآر مشتی خاک را از محل زیارت گاه برداشته تا کمی از آن را در چای خود ریخته و مصرف کنند. گاهی نیز تکه‌ای از پارچه بیرق‌های برافراشته در زیارت گاه‌ها را با خود به همراه می‌آورند. برخی از چشمه‌ها متبرک بوده و اعتقاد بر این است که آب موجود در آن خاصیت درمانی دارد. چشم نظر (یکی از آیات قرآنی که در داخل یک کیف پارچه‌ای قرار داده می‌شود) به لباس یا کلاه دوخته شده تا از چشم بد در امان بوده و بیماری‌ها درمان شوند.

مراسم و جشن‌های عمومی

جشن^۱، تعطیلات مربوط به استقلال ملی (که در آن استقلال افغانستان از انگلستان در سال ۱۹۱۹ جشن گرفته می‌شود) فرصتی را برای دولت به وجود آورده تا اصلاحات خود را افزایش دهند. برگزاری نمایش و مسابقات ورزشی به طور منظم صورت می‌گیرد. سال نو در روز ۲۱ مارس به دوران پیش از اسلام باز می‌گردد. در تقویم کهن ایران باستان، این روز جشن حاصل خیزی خاک در فصل بهار بوده که در آن به جشن و سرور می‌پردازند؛ در این روز، اقوام و دوستان با یکدیگر ملاقات کرده و هدایایی را برای کودکان می‌آورند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی